

تأملی بر تنش لفظی میان ایران و روسیه

علیرضا نوری

مقدمه

انتقاد بی‌سابقه آقای احمدی‌نژاد از روسیه و رویکرد دوگانه آن نسبت به ایران که گویا ترکیدن بعضی ناخرسندی‌های انباشته شده از تعاملات ملال‌آور سال‌های اخیر با روسیه بود و بر همین اساس مورد استقبال گروه‌ها و طیف‌های مختلف داخل قرار گرفت، ضرورت بازانديشي در نحوه تعاملی با مسکو را به صدر مباحث و تحلیل‌ها برد. در مقابل، واکنش سخت کرملین به این انتقادات نشان داد که هرچند هنوز در ایران در خصوص چگونگی رفتارهای خارجی روسیه برداشت دقیقی وجود ندارد، اما روس‌ها در مورد ایران و دولت آقای احمدی‌نژاد به برداشت نهایی رسیده‌اند. اشاره به افراط‌گرایی دولت ایران در سیاست خارجی و عوام‌فریبی در سیاست داخلی نکات قابل تأمل بیانیه کرملین است که به نحوی بی‌سابقه قضاوت صریحی از روندهای داخلی و خارجی ایران به دست داده است. هم از این رو، ضرورت شناخت دقیق‌تر روسیه و سیاست خارجی آن برای بازتنظیم روابط و ایجاد روابطی متعادل‌تر با مسکو بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود.

تنش لفظی بی‌سابقه میان تهران و مسکو

انتقاد بی‌سابقه آقای احمدی‌نژاد از روسیه و رئیس‌جمهور این کشور که به تأکید رویترز بزرگترین تنش سال‌های اخیر در روابط تهران و مسکو بوده و تالی آن واکنش سخت کرملین و تعبیر این انتقادات به «احساساتی» و «عوام‌فریبانه» بودن، بار دیگر چستی و چگونگی تعاملات ملال‌آور سال‌های اخیر کشورمان با روسیه را در متن تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها قرار داد. اما آنچه این تنش لفظی را از انتقادات غیرمستقیم پیشین طرفین از یکدیگر ممتاز می‌کند، سطح، شدت و صراحت آن است. در یک سو این اولین باری است که تهران پس از

ناخرسندی‌های متعدد از مسکو از جمله در عدم راه‌اندازی به موقع نیروگاه بوشهر، عدم تحویل سامانه‌های اس 300 و همراهی با امریکا در قطعنامه‌های تحریم شورای امنیت علیه ایران لب به اعتراض آنهم در سطح رئیس‌جمهور و از نوع شدید آن از طرف روس می‌گشاید. در سوی دیگر نیز، هرچند کرملین تا پیش از این از ارزیابی صریح چستی سیاست داخلی و خارجی دولت ایران احتراز داشت و اشارات آنها به چگونگی روندهای جاری در این دو حوزه به توصیه محدود می‌شد، اما این بار به صراحت و به سختی هر دوی این جنبه‌ها را هدف انتقاد قرار داد.

کرملین طی بیانیه‌ای که از سوی سرگئی پری‌خودکا، دستیار مدویدیف در سیاست خارجی عنوان شد از یک سو با اشاره به وجود خصیصه‌هایی چون «پیش‌بینی‌ناپذیری، افراط‌گرایی سیاسی و عدم شفافیت» در سیاست خارجی دولت ایران، این روندها را غیرقابل پذیرش ارزیابی و نیز با «عوام‌فریبانه» دانستن سخنان آقای احمدی‌نژاد، به ایشان توصیه کرد تا ضمن اصلاح این رویه، تاریخ ایران را بهتر مطالعه کند.

بیشتر رسانه‌های روسیه انتقاد آقای احمدی‌نژاد از روسیه را ناشی از فشار وارده به ایشان در محیط‌های داخلی و خارجی ارزیابی کردند. به عنوان مثال، سایت اینترنتی سلون طی مقاله‌ای در همین رابطه زیر عنوان «احمدی‌نژاد بین دو آتش»، با تأکید بر اینکه ایران طی سال‌های اخیر برای ممانعت از اعمال تحریم‌های شدید علیه خود همواره به روسیه و چین چشم امید داشته، اعلام موافقت این دو کشور (بدون هیچ گونه چانه‌زنی ملموس) با پیش‌نویس قطعنامه چهارم تحریم علیه ایران را یکی از اسباب اصلی ناراحتی آقای احمدی‌نژاد از روسیه دانست.

به باور نویسنده، صدور قطعنامه جدید علیه تهران به معنای از دست رفتن دست‌آوردهای احمدی‌نژاد در

بیانه تهران، در حالی است که دولت ایران بر روی این بیانیه تبلیغ زیادی کرده و آن را موفقیت مهم خود در عرصه هسته‌ای وانمود کرده است. در این مقاله، با اشاره به اینکه برخی نخبگان و گروه‌های داخلی در ایران نقص مهم بیانیه تهران را عدم وجود تضمین برای عملیاتی شدن آن دانسته‌اند، عدم اجرایی شدن این بیانیه (به تبع صدور قطعنامه جدید علیه تهران) را سبب افزون شدن فشارهای داخلی به آقای احمدی‌نژاد عنوان شده است. لذا، موافقت روسیه با پیش‌نویس قطعنامه چهارم و به تبع آن احتمال اجرایی نشدن بیانیه تهران اسباب ناراحتی و انتقاد آقای احمدی‌نژاد روسیه را فراهم آورده است. [1]

الکساندر لومانوف طی مقاله‌ای در روزنامه ورمیا نوواستی نیز با تأیید وجود ارتباط بین احتمال عدم اجرایی شدن بیانیه تهران به تبع رأی مثبت مسکو و پکن به قطعنامه چهارم با عصبانیت آقای احمدی‌نژاد، عدم اشاره ایشان به چین حین انتقادات وی به روسیه را نکته قابل تأمل موضع‌گیری تند ایشان علیه مقامات کرملین می‌داند. به تأکید وی، آقای احمدی‌نژاد در حالی مسکو را هدف انتقادات خود قرار داده که به نظر می‌رسد مسکو و پکن به یک اندازه در احتمال اجرایی نشدن بیانیه تهران دخیل باشند. [2] در این میان نویسندگانی از جمله پتر گانچاروف [3] نیز بودند که ضمن رد انتقادات آقای احمدی‌نژاد از مسکو، رویکرد «سخت‌اندانه» مسکو نسبت به تهران را یادآور شده و تأکید می‌کنند که تا پیش از این روسیه بوده که بارها مانع از اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران شده است. [4]

در مقابل، بسیاری از نخبگان و رسانه‌های ایران با استقبال از سخنان آقای احمدی‌نژاد، طی مقاله‌ها و نوشتارهای مختلف، ناخرسندی‌های انباشته شده خود از روسیه و رویکرد دوگانه این کشور در قبال تهران را متذکر شده و در پاسخ به «گانچاروف»‌ها بر این مهم تأکید کردند که روسیه در چانه‌زنی با غرب بر سر ایران هیچ‌گاه ملاحظات

ایران را مطمحنظر نداشته و تنها به «منافع» خود می‌اندیشیده است. به تأکید این عده، چانه‌زنی‌های پیشین و فعلی مسکو با غرب بر سر تهران، نه از سر سخاوت، بلکه برای بازی با کارت ایران جهت امتیازگیری از غرب در سایر حوزه‌ها و زمینه‌ها بوده و ارتباط معناداری در ادعای «لطف» به ایران با بی‌مسئولیتی‌های روسیه در قبال تعهدات خود به ایران از جمله در مورد نیروگاه بوشهر، سامانه‌های اس300 و رأی مثبت (و نه حتی ممتنع) به سه قطعنامه تحریم علیه ایران وجود ندارد.

آنچه در این اتهام‌پراکنی‌ها بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، عدم شناخت طرفین به یکدیگر به ویژه فقدان نگاه صحیح در طرف ایرانی از روندهای جاری در سیاست خارجی روسیه است. به این اعتبار، در این نوشتار مختصر تلاش خواهد شد تا به حد امکان مؤلفه‌های مؤثر بر چگونگی شکل‌گیری رفتارهای سیاست خارجی روسیه در قبال ایران تشریح و فقدان رویکرد صحیح تهران به مسکو در قالب تقابل «فرض‌های پیشینی» طرف ایرانی با رویکرد عمل‌گرایی طرف روس توضیح داده شود.

عمل‌گرایی رویکرد مسلط سیاست خارجی روسیه روسیه در دوره پسا شوروی بیش از هر زمان دیگری در تاریخ خود زیر تأثیر تحولات فزاینده منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. این تحولات با ایجاد مجموعه‌ای از تهدیدها و فرصت‌های جدید، این کشور را در عرصه خارجی با ضرورت بازتعریف جایگاه، نقش و اهداف آن روبه‌رو کرده و بر همین اساس، در دوره‌های مختلف راهبردهای مختلفی از سوی نخبگان این کشور برای احیاء جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل تجربه شدند. به این اعتبار، برای شناخت و تحلیل صحیح سیاست خارجی روسیه و از جمله رفتارهای آن در قبال ایران باید بیش از هرچیز گفتمان غالب بر حوزه سیاست‌گذاری خارجی این کشور مورد مذاقه قرار گیرد که بر اساس آن رفتارهای خارجی مسکو شکل گرفته و هدایت می‌شوند.

مرور روندهای جاری در سیاست خارجی روسیه از ابتدای به قدرت رسیدن پوتین در سال 1999 تا کنون حاکی از تسلط گفتمانی التقاطی بر این حوزه است. به این معنا که مردان کرملین به رغم دهه 1990 و نیز برخلاف دوره شوروی به جای استوار کردن تصمیمات سیاست خارجی بر ایده و یا ایدئولوژی خاص، بر رویکردی پیچیده و مرکب، متشکل از عناصر مثبت ایده‌های مختلف تجربه شده در دوره‌های پیشین تأکید دارند. بر این اساس، گفتمان جاری در سیاست خارجی فعلی روسیه را می‌توان موضعی میانگیر و فصل مشترک نظریه‌های یوروآتلانتیسم، یورآسیانیسم و توازن قوا، ماحصل برداشتی واقع‌بینانه از تجربیات سیاست خارجی روسیه در دوره‌های پیشین و برآیندی از درک دقیق‌تر (نسبت به قبل) تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. به بیان آندره ماکاریچف، [5] در رویکرد سیاست خارجی روسیه مجالی برای کاربست «فراروایت» [6] و ایدئولوژی وجود ندارد و به جای توسل به اصول موهوم ایدئولوژیکی، تفسیر و بازیابی اطلاعات و به تبع آن ابداع ادبیات سیاسی جدید برای ورود این کشور به جامعه بین‌الملل «کشورهای هنجارمند» [7] مطمح‌نظر جدی‌تر قرار می‌گیرد. [8]

مرور دقیق‌تر رفتارهای سیاست خارجی روسیه طی سال‌های اخیر همچنین نشان دهنده آن است که کرملین برای عملیاتی کردن این گفتمان، رویکرد عمل‌گرایی را برگزیده و همواره اصول آن از جمله تأکید بر اقدام، بازی مثبت با همه طرف‌ها، عدم تقابلی‌جویی بی‌حاصل، تأکید بر هویت چندگانه و انعطاف‌پذیر، تمرکز بر سازوکارهای کارآمد، التفات به پیوند ضرور اقتصاد و قدرت، فرصت‌طلبی راهبردی، درک فزاینده رابطه ضعف و نفوذپذیری، ایدئولوژی‌زدایی از سیاست خارجی، ارجحیت منافع بر ارزش‌ها، تعامل‌گزینشی، مشارکت در ائتلاف‌های گسترده و «بی‌دردسر»، احترام به هنجارهای بین‌الملل،

تقویت نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و مشارکت فعال در آنها را مورد توجه داشته است. [9]

هرچند فرض یک‌دست بودن سیاست خارجی روسیه طی سال‌های اخیر خالی از اشکال نیست و هم‌سو با برخی تحلیل‌گران می‌توان این سیاست را از جنبه‌های متفاوت به مقاطع و انواع مختلف تقسیم کرد و هرچند در برخی مقاطع رویکرد عمل‌گرایی در این حوزه زیر تأثیر حساسیت زیاد مسائل ژئوپولیتیکی و هویتی از اصول خود منحرف شده، اما مرور تمامیت رفتارهای روسیه طی دوره‌های پوتین و مدویدیف گواه التزام عملی این دو به اصول رویکرد عمل‌گرایی است. در این بین، می‌توان شش سال ابتدایی ریاست‌جمهوری پوتین را «عمل‌گرایی محافظه‌کار»، دو سال پایانی این دوره را «عمل‌گرایی تهاجمی» و دوره ریاست‌جمهوری مدویدیف را بازگشت به «عمل‌گرایی محافظه‌کار» دانست. [10] با این ملاحظه، هرچند در برخی تحلیل‌ها بر استمرار خصیصه پیش‌بینی‌ناپذیری در سیاست خارجی روسیه تأکید می‌شود، اما با تعمق در رفتارهای خارجی این کشور می‌توان خط سیر نسبتاً مشخصی را مبتنی بر رویکرد عمل‌گراییانه ممتاز کرد.

هرچند در این مقال مجال بررسی مفصل رویکرد عمل‌گراییانه نیست، اما برای فهم بهتر این رویکرد به این بسنده می‌شود که در رویکرد عمل‌گراییانه، حقیقت و سودمندی کاملاً درهم آمیخته‌اند و حقیقت همان «مصلحت» تلقی می‌شود. حقیقت «نوعی از سودمندی»، نه متمایز از آن و هم‌رتبه با آن است. «حقیقی» هر چیزی است که به دلایل معلوم و معین ثابت شود که اعتقاد به آن سودمند است. در این نظریه تنها آزمون «حقیقت» آن است که رفتار را بهتر هدایت کرده و بهتر از هر چیز دیگر به تأمین منافع مدد رساند. [11] تأکید مکرر مقامات کرملین بر اینکه «منافع ملی» مهم‌ترین راهنمای سیاست خارجی روسیه است، را می‌توان اصلی متأثر از همین رویکرد سودمندگراییانه دانست.

هرچند از عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه تعاریف مختلفی به عمل آمده، اما بر اساس تعریف ارائه شده، به نظر می‌رسد بسنده‌ترین تعریف از این رویکرد، عنایت واقع‌بینانه مقامات مسکو بر ضرورت التفات به رابطه منطقی بین عینیات از یک سو و منابع و توانمندی‌ها از سوی دیگر باشد. با توجه به ملاحظات مقطعی و کوتاه مدت در روابط خارجی روسیه در سال‌های اخیر با غرب، شرق و جنوب نیز می‌توان ادعا کرد که عمل‌گرایی روسیه روشی کمتر راهبردی و بیشتر تاکتیکی بوده است. با التفات به اینکه در این نوشتار امکان بررسی مفصل عناصر عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه وجود ندارد، لذا به ایدئولوژی‌زدایی و تعامل‌گزینی به عنوان دو عنصر این رویکرد که تا حدودی توضیح دهنده چرایی رفتارهای اخیر این کشور در قبال ایران است، کفایت می‌شود.

تقابل «فرض‌های پیشینی» و رویکرد غیرایدئولوژیک در روابط تهران-مسکو
ایدئولوژی‌زدایی از سیاست خارجی به عنوان یکی از اجزاء اصلی رویکرد عمل‌گرایانه روسیه در سیاست خارجی، یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که از دوره پوتین مطمح‌نظر سیاست‌گذاران خارجی این کشور قرار گرفته و آثار آن در تعاملات خارجی مسکو مشهود است (هرچند در مقاطعی نیز زیر تأثیر ذهنیت‌های جنگ سردی، رفتارهای ایدئولوژیکی در سیاست خارجی این کشور نمود آشکار داشته است). با عنایت به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاستمداران کرملین به این درک رسیده‌اند که مواجهه با اصول، قواعد، هنجارها و روندهای فضای سیال عصر جهانی شدن باید بر کنش و واکنش متناسب و کمتر بر ساختارها و ایدئولوژی‌های غیرمنعطف استوار باشد. با این ملاحظه، آنها سیاست خارجی روسیه را بر اصول رویکرد عمل‌گرایانه و برخلاف اسلاف خود، نه بر مبانی مبهم ایدئولوژیکی، بلکه بر واقعیات و منافع مشخص استوار کرده‌اند. بر این اساس، تلاش مسکو طی سال‌های اخیر بر این متمرکز بوده تا با هدف کاهش

تأثیر ذهنیتهای ایدئولوژیکی بر فرآیند سیاستگذاری خارجی که گاهی خود بصورت هدف در می‌آمدند، بین بلندپروازی‌های معقول، منافع نسبتاً پایدار و منابع موجود تعادلی منطقی برقرار کند. در رویکرد عمل‌گرایانه روسیه هر ذهنیت و دیدگاه، باید به حد کافی از انعطاف برای انطباق و ظرفیت‌بازیبی مستمر با شرایط بطور فزاینده متغیر محیطی برخوردار باشد.

به این اعتبار، به نظر می‌رسد این فراز از سخنان آقای احمدی‌نژاد که: «ایران و روسیه دو همسایه هستند و البته به طور طبیعی ما با هم دوست هستیم و دو همسایه نمی‌توانند با هم دوست نباشند»، بیشتر «فرضیه‌ای پیشینی» بوده و با تعاریف جاری از «همسایه» در سیاست خارجی روسیه هم‌خوان نباشد. به عنوان مثال، (صرفه‌نظر از موارد تاریخی) تأملی دقیق‌تر در نوع رابطه تعاملی اخیر مسکو با «همسایگان» خود در خارج نزدیک که نسبت به ایران به روسیه «همسایه‌تر» هستند، حاکی از آن است که روس‌ها جز بر اساس «منافع»، حتی اگر در بلندمدت نیز مزیت آن تضمین شده نباشد، معیار دیگری برای تعامل مثبت با «همسایه» ندارند.

جنگ اوت 2008 روسیه با گرجستان که طی آن نیروهای روس در نهایت خشونت تا دروازه‌های تفلیس نیز پیش رفتند، دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم کرملین در براندازی دولت ویکتور یوشنکو و روی کارآمدن ویکتور یانوکوویچ در اکراین و دخالت مستقیم مسکو در تحولات اخیر قدرت در قرقیزستان نمونه‌های روشنی از «همسایه‌مداری» خاص روسی است. این موارد که به حتم آسیب‌ها و هزینه‌های زیادی را به دولت‌ها و ملت‌های این کشورها تحمیل کرده، مصادیق بارزی از دخالت روسیه در امور داخلی «همسایگان» خود می‌باشد که تنها بر اساس تصور وجود «منافع» در این کشورها صورت گرفته و ملاحظات و منافع آنها در وهله بعدی اهمیت و یا اساساً بی‌اهمیت فرض شده است.

در مورد «فرض پیشینی» دیگر آقای احمدی‌نژاد مبني بر اینکه؛ «ما با هم دوست هستیم و دو همسایه نمی‌توانند با هم دوست نباشند»، نیز (صرفه‌نظر از موارد تاریخی دیگر) مرور اجمالی حافظه تاریخی روابط تهران-مسکو از جمله جنگ‌های متعدد روسیه با ایران، قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای و تصاحب بخش‌هایی از خاک ایران، اشغال ایران خلال جنگ‌های جهانی اول و دوم، بلوای گری‌بای‌دف، تشکیل حکومت پیشه‌وری، دخالت در امور داخلی ایران از طریق حزب توده، حمایت تسلیحاتی از صدام حین جنگ عراق با ایران، تقسیم یک‌جانبه دریای خزر، موضع‌گیری‌های مبهم در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، رأی مثبت به سه قطعنامه تحریم علیه ایران و موافقت با پیش‌نویس قطعنامه چهارم تحریم، تأخیر چندباره در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر و عدم تحویل سامانه‌های دفاعی اس300 (در حالی که قرارداد آن امضاء و مبالغ آن نیز پرداخت شده)، گواه روشنی است که در سیاست خارجی روسیه مفهوم «دوست» با برداشت متداول نخبگان سیاست خارجی کشورمان متفاوت بوده و بیش از هرچیز و به عبارتی تنها بر «منافع» استوار است.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد تعبیر «احساسی بودن» سخنان آقای احمدی‌نژاد از سوی سرگئی لاوروف مبني بر این که؛ «رهبران روسیه اجازه ندهند که ملت ایران آنها را در صف دشمنان تاریخی خود به حساب بیاورند.» [12] را نباید مسئله غریبی دانست. چرا که همان طور که اشاره شد، روس‌ها در تعاملات خارجی خود با کشورهای مختلف نشان داده‌اند که «منافع» همواره بر مفاهیم ارزشی چون «دوست» و «دشمن» ارجحیت داشته و مصادیق تجربی آن از جمله «هم‌آغوشی‌های» مسکو با واشنگتن در دهه 1990 و بعد از حوادث 11 سپتامبر (در حالی که هم‌اکنون بسیاری در روسیه امریکا را «دشمن» اصلی این کشور می‌دانند) و فشارهای مسکو بر کیف از جمله در انتخابات‌های اخیر ریاست‌جمهوری اکراین و نیز در «جنگ‌های گازی» (در حالی که هم‌اکنون بسیاری

در روسیه اکراین را «دوست» تاریخی این کشور می‌دانند) تأییدی بر این مدعا است.

سرگئی لاوروف در واکنش به انتقادات آقای احمدی‌نژاد، این رویکرد «سودمندگرایانه» به «دوست» و «دشمن» را به خوبی توضیح داد. به تصریح او: «آن گونه که از سخنان آقای احمدی‌نژاد بر می‌آید، تهران تأکید دارد که روسیه در موضوع هسته‌ای ایران به طرفداری از کسی اقدام نکند. روسیه به تکرار نشان داده که در تصمیمات سیاست خارجی خود بر مبنای «منافع» ملی، «منافع» امنیتی، اقتصادی و توسعه‌ای و نیز بر اساس مسئولیت خود به عنوان یک دولت بزرگ که معطوف به مجموعه‌ای از تلاش‌ها برای حل و فصل مشکلات بین‌المللی است (و ایران یکی از این موارد است) اقدام می‌کند». [13] سخنان آقای لاوروف را می‌توان این گونه تفسیر کرد که هر سمت که واجد منافع بیشتری برای روسیه باشد، این کشور به همان سو سوق خواهد یافت و «دوست» و «دشمن» در این معادله بی‌معنا است.

جایگاه ایران در راهبرد «ابرقدرتی سهل‌الوصول» روسیه

هرچند به نظر می‌رسد آقای احمدی‌نژاد در سخنان انتقادی خود در مورد روسیه با اشاره به اینکه: «همسایه ما (روسیه) در کنار کسانی قرار می‌گیرد که 30 سال است با همه توان در برابر ملت ایران ایستاده‌اند»، این همراهی را «مبهم» و سؤال‌برانگیز دانسته، اما با مذاقه در عناصر رویکرد عمل‌گرایانه سیاست خارجی روسیه، عدم وجود ابهام در این همراهی و چرایی این تعامل را می‌توان به روشنی درک کرد. طی سال‌های اخیر، مردان کرملین ضمن تأکید بر توسعه مفهوم سیاست خارجی و امنیتی روسیه به ابعاد «سخت» و «نرم»، بر این اعتقادند که فرصت‌ها و تهدیدهای ملی آنها در طیفی وسیع از جنبه‌های «نرم» اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا «سخت» نظامی و امنیتی قابل تفکیک است و در دنیای وابستگی‌های متقابل، روابط این کشور

با طرفه‌های خارجی خود می‌تواند از تعاملات «نرم» تا «سخت» در وضعیت‌های مختلف هم‌سویی، تقابل و یا تضاد قرار گیرد. با این ملاحظه، تلاش تصمیم‌سازان سیاست خارجی روسیه بر آن است تا «منافع ملی» این کشور را در حوزه‌های مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شیوه‌های متفاوت و به کارآمدترین وجه ممکن محقق نمایند.

بر این اساس، تفاوتی که در شیوة یارگیری و ائتلاف‌سازی روسیه طی سال‌های اخیر حادث شده، تسلط اصل «تعامل‌گزینه‌شی» بر اساس رویکرد عمل‌گرایانه در انتخاب شرکاء خارجی این کشور است. روسیه بر مبنای این اصل، در مقاطع مختلف و حسب شرایط متفاوت ایجاد «ائتلاف‌های بی‌دردسر» [14] با هر کشور و هر مجموعه از کشورها در غرب، جنوب و شرق را در دستور قرار دارد. این رویکرد با هدف ارتقاء جایگاه و افزایش نفوذ روسیه در عرصه بین‌الملل مبتنی بر اصل «ابرقدرتی سهل‌الوصول» [15] است. به این معنا که مسکو به جای اینکه به تنهایی بهای افزایش نفوذ جهانی خود را بپردازد (آنچه در دوره شوروی انجام می‌شد)، مبادرت به انتخاب شرکاء و ایجاد ائتلاف‌های موقت برای تقسیم این هزینه‌ها می‌کند. در صورتی که مسکو فرصت را مغتنم بداند (همانند فضای پس از 11 سپتامبر) حتی می‌تواند در صف ائتلاف با واشنگتن له یا علیه هر کشور دیگری نیز قرار گیرد.

به این اعتبار، مسکو با تأکید بر اصل «شرط‌بندی بر روی قوی‌تر» در انتخاب «شرکاء» خارجی و استفاده از مؤثرترین ابزارها برای تحقق اهداف سیاست خارجی، تلاش دارد در هر زمینه خاص با نهادها، کشورها و سازمان‌هایی همکاری کند که در آن زمینه خاص بیش از سایرین در پیشبرد «منافع ملی» این کشور مثمرتر باشد. کرم‌لین بر اساس این اصل، ضمن تأکید بر ضرورت همگرایی با فرآیندهای جهانی بر این تأکید است که روسیه نباید از هیچ بخش دنیا از جمله اروپا و امریکا جدا باشد، بلکه باید رابطه با غرب، شرق و جنوب به طور هم‌زمان

و به عنوان اجزاء این فرآیند مورد توجه قرار گیرند. با این ملاحظه، سیاستسازان خارجی روسیه از بزرگنمایی اهداف و ائتلاف‌های خارجی بلندمدت حمایت نکرده، بلکه به‌عکس در انتخاب شرکاء سیاست خارجی کاملاً گزینشی عمل می‌کنند.

در این میان، هرچند بازگشت به مدل رهبر-تابع [16] و تبدیل روسیه به کشوری تابع [17] و وابسته به سخاوتمندی‌های غرب (آنچه در زمان کوزیرف تجربه شد) برای مسکو قابل پذیرش نیست، اما با عنایت و اقعیات می‌توان دریافت که این کشور در شرایط فعلی غرب را شریک «قوی‌تری» نسبت به ایران برای «شرط‌بندی» می‌داند و به دنبال ایجاد رابطه جدید با آن بر اساس «قیمت‌های بازار» [18] است. در این معادله، ایران تا بدان جا برای روسیه واجد اهمیت است که در راستای «منافع» آن باشد و به عبارتی بتواند از آن و با از طریق آن (چانه‌زنی بر سر ایران با غرب) امتیاز کسب نماید.

باید به این مهم نیز توجه داشت که هرچند کرملین تا چند سال پیش به تبع ریزش دور از انتظار پترودلارها به اقتصاد این کشور، عرصه بازی خود در محیط بین‌الملل را فراخ‌تر از هر زمان دیگر می‌دید و در داخل نیز توانسته بود رضایت بسیاری از مردم را با بالا بردن سطح رفاه آنها جلب نماید، اما در شرایط فعلی و به تبع تأثیر مؤثر بحران اقتصادی بر کاهش توان بازی این کشور در عرصه بین‌الملل و افزایش نارضایتی‌ها در داخل، به ضرورت گرایش به غرب برای جلب سرمایه و تکنولوژی غربی جهت برون‌رفت از این مشکل وقوف ملموس‌تری یافته است.

روسیه با عنایت به مشکلات داخلی و شرایط بین‌المللی به خوبی دریافته که بدون کمک غرب توان بازسازی اقتصاد و به تبع آن افزایش توان بازیگری خود در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را ندارد و لذا همگرایی بیشتر با غرب با هدف تسریع در توسعه اقتصادی را به عنوان اولوی مهم در

صدر اهداف سياست خارجي خود قرار داده است. در اين بين، با التفات به رابطه تخاصمي ايران با کشورها غربي از يك سو و نقش روسيه در مثلث روابط تهران - واشنگتن - مسکو از سوي ديگر، پرواضح آن است که پذيرش روسيه در جامعه غرب و ارائه امتياز به آن از سوي کشورهای غربي بدون هزينه نيست. روسها همان طور که پيشتر نيز نشان داده اند، تلاش دارند تا در اين معادله بيش از هر چيز نقش يك «دلال قدرتمند» را ايفا کرده و با استفاده از فضاي تخاصمي ايران با کشورهای غربي، حداکثر امتياز را از هر دو طرف کسب نمايند.

در مقطع حاضر، به نظر مي رسد روسها به اين نتيجه رسیده اند که هزينه همراهي و يا به عبارتي چانه زني بر سر ايران زياد و در مقابل «هويج» هاي غرب چشم گيرتر شده، لذا تصميم گرفته اند با افزايش فاصله خود با ايران و نزديکي بيشتر به غرب نسبت به حداکثرسازي منافع خود مبادرت کنند. اين تغيير نشانگان رفتاري روسيه در قبال ايران به ويژه خلال سفر مدويديف به واشنگتن که همزمان با آن ايران خبر راه اندازي تاسيسات فردو را علني کرد، به خوبي نمايان شد. مدويديف، به رغم موضع گيري هاي دوپهلوي پيشين روسها، با تأکيد بر مغاير بودن اين اقدام ايران با قطعنامه های شورای امنيت موضعي انتقادي گرفت و حتي به رغم رويه سابق مسکو منتظر واکنش غرب براي اتخاذ موضعي ميانگير با هدف جلب نظر هر دو طرف نماند. [19]

با عنایت به اين جمع بندي، هرچند مسکو تا پيش از اين و از جمله در سه قطعنامه تحریم قبلي چانه زني بيشتري را با کشورهای غربي در دستور قرار داده بود، اما در مقطع فعلي همراهي سريع تر و بيشتر با غرب را در راستاي «منافع» خود تشخيص داده است. روزنامه «ني زاوي سي مایا گازي پتا» در اشاره به اين تحول، طی مقاله اي با انتخاب تيترو «مابه ازاء امريکا به روسيه»، از رفع تحریم برخي شرکتهاي روسي و طرح واشنگتن براي توسعه همکاری هاي هسته اي صلح آميز با روسيه، به عنوان

«مابه‌ازاء»‌هایی نام برد که طرف روسی در ازاء موافقت با پیش‌نویس قطعنامه چهارم تحریم علیه ایران دریافت کرده و خواهد کرد. [20]

ضرورت شناخت دقیق‌تر روسیه هرچند سخنان انتقادی آقای احمدی‌نژاد خطاب به مقامات کرملین به‌ظاهر طعنه و هشداري به آنها براي التفات بیشتر به ملاحظات ایران بود، اما به نظر می‌رسد تأکید ایشان بر این که؛ «امروز توضیح رفتار مدویدیف برای ملت ایران مشکل شده است. مردم نمی‌دانند این‌ها دوست ما هستند، در کنار ما هستند، با ما هستند یا اینکه دنبال چیز دیگری هستند.»، بیش از وجود «ابهام» در طرف ایرانی از چگونگی رفتارهای خارجی روسیه و نشان‌دهنده عدم شناخت مناسب سیاستمداران کشورمان از این کشور، گفتمان مسلط بر سیاست خارجی و روان‌شناختی رهبران آن باشد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد و تجربه نیز نشان داده، به قطع می‌توان ادعا کرد که روس‌ها «دوست ما نیستند»، «در کنار ما نیستند»، و تنها «به دنبال «منافع» خود هستند».

نکته قابل تأمل در رویکرد فعلی سیاستگذاران خارجی کشورمان به روسیه که تفاوت محسوس با رویکرد مسکو نسبت به تهران دارد، این مهم است که به‌رغم این که مقامات کشورمان در مقاطع مختلف و به تکرار از روسیه به عنوان یک «شریک راهبردی» یاد و انتظارات خود از مسکو را بر این اساس استوار کرده‌اند، اما موضع‌گیری‌ها و رفتارهای طرف روس گواه آن است که نه تنها مسکو در هیچ مقطع ایران را شریک راهبردی خود ندانسته، بلکه طی سال‌های اخیر جایگاه کشورمان را در راهبرد سیاست خارجی خود به رده‌های پایین‌تر اهمیت تنزل نیز داده است.

عملکرد خارجی کرملین نیز حاکی از آن است که مسکو معتقد به وجود هیچ اتحاد مقدسی نه تنها با تهران، بلکه با واشنگتن، لندن و پاریس نیز نیست

و تعامل با طرف‌های خارجی (صرفنظر از ماهیت آنها) تنها زمانی برای این کشور واجد اهمیت است که در راستای «منافع» آن باشد. واکنش آقای پری‌خودکا به سخنان آقای احمدی‌نژاد را می‌توان مؤیدی بر این مدعا دانست. او صراحتاً تأکید کرد که: «سیاست روسیه در موضوع هسته‌ای ایران، نه به طرفداری از امریکا و نه به طرفداری از ایران، بلکه بر «منافع» مردم روسیه استوار است». [21]

بر این اساس، از آنجا که به زعم مقامات مسکو همراهی با غرب در شرایط فعلی بیش از چانه‌زنی بر سر ایران برای «مردم روسیه» واجد منفعت است، لذا گرایش به غرب و فاصله گرفتن از ایران به شکل موافقت با پیشنویس قطعنامه چهارم تحریم علیه تهران در دستور آنها قرار گرفته است. اما باید به این مهم توجه داشت که گردش مجدد روسیه به سوی ایران در صورت وجود مزیت‌های بیشتر در طرف ایرانی و چانه‌زنی بیشتر آن با کشورهای غربی به سان آنچه پیشتر تجربه شد، دور از انتظار نیست. چرا که همان طور که اشاره شد، اصل مهم در یارگیری سیاست خارجی روسیه «منفعت» و «سود» است.

اما نکته‌ای که شناخت روسیه و چگونگی رفتار این کشور را بیشتر گوشزد می‌کند، محتوای بیانیة کرملین در واکنش به انتقادات آقای احمدی‌نژاد است. هرچند با عنایت به سخنان آقای احمدی‌نژاد و سایر مقامات کشورمان به نظر می‌رسد که آنها هنوز به شناخت درستی از رفتارهای مسکو دست نیافته و در مورد چگونگی رفتارهای این کشور همچنان ابهام دارند، اما بیانیة کرملین در پاسخ به سخنان انتقادی آقای احمدی‌نژاد حاوی نکات مهم و حائز توجهی است که نشان از قضاوت صریح مقامات مسکو از چگونگی رفتار دولت ایران در محیط‌های داخلی و خارجی دارد. از آنجا که به تأکید بسیاری از تحلیل‌گران مسائل روسیه، سیاست‌ها و مواضع این کشور جهشی نبوده و به یکباره شکل نمی‌گیرد، لذا

سخنان پريخودکا را بايد انديشیده شده و حاصل اجماعي در کرمين در مورد دولت آقاي احمدينژاد دانست که البته بي‌شباهاست به مواضع کشورهاي غربي نيست.

پريخودکا در بيانيه کرمين خطاب به دولت ايران به صراحت تاکيد کرد: «پيش‌بينی‌ناپذيري، افراط‌گرایی سياسي، عدم شفافيت در اخذ تصميماتي که جامعه بين‌الملل را زير تأثير قرار داده و نگران مي‌کند براي مسکو قابل پذيرش نيست». مذاقه در اين عبارات از يك سو بي‌سابقگي صراحت روس‌ها در قضاوت در مورد سياست خارجي آقاي احمدينژاد را نشان مي‌دهد که سابق بر اين در قالب توصيه و با اصطلاحات مبهم نمود مي‌يافت و از سوي ديگر، هم‌ساني زياد اين عبارات با بيانيه‌هاي کشورهاي غربي در خصوص سياست خارجي کشورمان را نشان مي‌دهد.

بند تأمل‌برانگيزتر بيانيه کرمين در تعبير سخنان آقاي احمدينژاد به «عوام‌فريبي» و اين توصيه که: «تاريخ هزار ساله ايران بايد به رهبران اين کشور آموخته باشد که حفظ قدرت با توسل به عوام‌فريبي سياسي ممکن نبوده است»، [22] را نيز مي‌توان مؤيد مدعاي برخي تحليل‌گران دانست که بر تغيير رويکرد مسکو نسبت به تهران پس انتخابات سال پيش رياست‌جمهوري ايران تاکيد دارند. به باور اين عده، مقامات کرمين پس از اعتراض برخي افراد و گروه‌ها در داخل ايران نسبت به سياست‌هاي روسيه در قبال مسائل داخلي ايران و شنيدن شعار «مرگ بر روسيه»، تصميم به حفظ جانب بيشتر از احتياط در تعاملات خود با دولت آقاي احمدينژاد گرفته‌اند. اما نکته قابل تأملي که در اين توصيه به چشم مي‌خورد اين است که کرمين تلاش دارد تا (به زعم خود) با تلقين و بزرگ‌نمايي مشکلات سياست خارجي دولت آقاي احمدينژاد، مسئوليت رفتارهاي دوگانه خود در قبال تهران را به دولت ايشان احاله کند.

قابل تأمل اینکه قضاوت مسکو از رفتارهای داخلی و خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد در حالی صورت می‌گیرد که مسکو طی سال‌های اخیر به شدت از موضع‌گیری صریح در مورد ماهیت دولت و تحولات داخلی ایران احتراز داشته است. لذا، همان طور که اشاره شد، بیانیة بی‌سابقه کرملین را می‌توان جمع‌بندی نگاه روس‌ها به ایران و به ویژه دولت آقای احمدی‌نژاد دانست. اما همچنانی که اشاره شد، روس‌ها نشان داده‌اند که «معامله‌گران» خوبی بوده و در موارد مختلف و متعدد، بدون توجه به ماهیت دولتهایی که به زعم آنها به برخی اصول متعهد نیستند، با آنها به تعاملات گسترده مبادرت کرده‌اند. لذا، موضع‌گیری آنها در مورد سیاست داخلی و خارجی دولت ایران، در حالی که خود متهم به توتالیتراریسم در داخل و رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی هستند، قابل تأمل بسیار است.

جمع‌بندی

در حالی که طی سال‌های اخیر رویکرد روسیه نسبت به ایران همواره بر اصول عمل‌گرایی استوار بوده، اما نگاه تهران به مسکو در موارد متعدد بر «فرض‌های پیشینی» از جمله «دوستی»، «همسایگی» و «راهبردی بودن تعامل» مبتنی بوده است. این تفاوت در دیدگاه که هزینه‌های آن بر کشورمان مشهود است، بیش از هرچیز نشان‌دهنده فقدان شناخت دقیق از روسیه، سیاست خارجی و رهبران این کشور است. به عنوان مثال، این عدم شناخت در مقاطع وجود فشار بر سیاست خارجی کشورمان از جمله پیش از صدور قطعنامه‌های تحریم، سبب شده تا تهران چشم به «سخت‌و‌تمندی» روس‌ها برای «التفات» بیشتر به ملاحظات تهران داشته و در مقابل، مسکو نیز با این تأکید که؛ «بارها مانع از اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران شده» این «سخت‌و‌تمندی» را به دولت و ملت ایران گوشزد کرده است.

در این میان، با عنایت به سخنان آقای احمدی‌نژاد، این گونه به نظر می‌رسد که سیاستمداران کشورمان نیز به سان برخی دیگر از

گروه‌ها و نخبگان بر نامناسب بودن شرایط فعلی روابط با روسیه و ضرورت تجدیدنظر در نحوه تعاملی با این کشور تأکید دارند. اما همان طور که اشاره شد، پیش از هر اقدام برای تجدیدنظر مثبت با منفی در روابط با روسیه باید نسبت به شناخت بهتر عناصر دخیل در سیاست خارجی این کشور از فرهنگ سیاسی تا روانشناسی رهبران آن مبادرت کرد تا مانع از اشتباه در تنظیم مجدد روابط با این «مجاور شمالی قدرتمند» شد.

اما باید به این مهم نیز التفات کرد که به حتم هیچ‌گاه امتیازات و مزایای تعامل با ایران برای روسیه از آنچه غرب می‌تواند به این کشور ارائه کند، بیشتر نخواهد بود، لذا سمت‌گیری احتمالی مجدد مسکو به سوی تهران، به سان سابق با هدف چانه‌زنی با غرب برای امتیازگیری از آن در سایر حوزه‌ها و زمینه‌ها خواهد بود. با این وجود، باید به این نکته نیز عنایت داشت که حفظ سطح متعادلی از روابط با مسکو مطلوب و یا حداقل این‌که نسبت به اتخاذ رویکرد تخصیصی با این کشور که به حتم هزینه‌های زیادی را تحمیل خواهد کرد، معقول‌تر خواهد بود. باید به این نیز توجه کرد که مسکو هیچ‌گاه روابط تاکتیکی خود با تهران را فدای تعاملات راهبردی با واشنگتن نخواهد کرد. در این بین، همان طور که بسیاری نیز تصریح دارند، بهبود روابط را غرب می‌تواند در ایجاد شکل متعادل‌تری از روابط میان تهران و مسکو و ممانعت از «ماه‌گیری» این کشور از «آب گل‌آلود» روابط تخصیصی کشورمان با دولتهای غربی مؤثر باشد.

منابع و پانوشتها

- [1] "Ахмадинежад между двух огней", slon.ru, 27 мая 2010 [online] [/http://slon.ru/blogs/adibani/post/395723](http://slon.ru/blogs/adibani/post/395723)
- [2] Александр Ломанов, "Наказание или видимость", Время Новости, 27 мая 2010 [online] <http://www.vremya.ru/2010/90/5/254333.html>

- [3] . Петр Гончаров
- [4] . "Россия отвергла критику Ахмадинежада, призвавшего Медведева "действовать осторожнее", Корреспондент.net, 26 мая 2010 [online] <http://korrespondent.net/world/1079921>
- [5] . Andre Makarychev
- [6] . "grand narrative"
- [7] . "the international community of "normal countries"
- [8] . Andrey S. Makarychev, "Politics, the State and De-Politicization; Putin's Project Reassessed". Problems of Post-Communism. Vol 55, No 5, p. 62
- [9] . براي اطلاع بيشتر در خصوص شاخصه هاي رويکرد عملگرایی در سياست خارجي روسيه در دوره پوتين ر ك به؛
- عليرضا نوري، «عملگرایی پوتين و فرآيند شكلگيري اجماع و سازگاري در سياست خارجي روسيه»، پاياننامه كارشناسي ارشد رشته مطالعات منطقه‌اي، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سياسي، فصل دوم و چهارم
- [10] . براي اطلاع بيشتر در باب تفاوت عملگرایی محافظه‌کار و تهاجمي در سياست خارجي روسيه ر ك به؛
- عليرضا نوري، «تحويلات مفهوم امريکاستيزي در سياست خارجي روسيه پس از شوروي (با تمرکز بر دوره پوتين)، فصلنامه مطالعات راهبردي. س 11، ش 42، صص 70-864
- [11] . علي آقابخشي، فرهنگ علوم سياسي، تهران: نشر چاپار، 1379، ص 262
- [12] . "В Москве считают, что заявление иранского президента по поводу России продиктовано эмоциями – Лавров", Интерфакс, 27 мая 2010 [online] <http://www.interfax-russia.ru/main.asp?id=148401>
- [13] . "В ситуации вокруг Ирана Россия ни у кого не идет на повод", ИТАР-ТАСС, 27 мая 2010 [online] <http://www.itar-tass.com/level2.html?NewsID=15168488>
- [14] . alliances of convenience

superpower on the cheap . [15]

led – leader model . [16]

led country . [17]

market prices . [18]

[19] علی‌رضا نوری، "نشانگان تغییر در رویکرد
روسیه در قبال ایران"، سایت اطلاع‌رسانی ایراس،
4 مهر 1388

<http://iras.ir/fa/pages/?cid=10217>

Станислав Минин, "США платят дань Кремлю", . [20]

Независимая Газета, 27 мая 2010 [online]

http://www.ng.ru/newsng/2010-05-27/100_obzor270510.html

Приходько: Россия руководствуется " . [21]

собственными интересами", osradio.ru, 27 мая 2010

[online] http://osradio.ru/hronika_dnia/25538-prihodko-rossija-rukovodstvuetsja-sobstvennymi.html

а тысячелетняя иранская история должна была " . [22]

научить руководство этой страны тому, что власть

нельзя сохранить, прибегая к политической

."демагогии

نویسنده: علی‌رضا نوری، کارشناس ارشد مطالعات
منطقه‌ای و عضو شورای نویسندگان مؤسسه ایراس